

کشف جسد کنار ریل قطار

مشیری، باز پرس شعبه دوم ناحیه ۳ دادسرای تهران اعلام کرد جسد مرد مجهول الهویه که ۳۵ ساله و لاغر اندام است، چندی پیش در کنار ریل راه آهن کشف شد اما چون روشن نیست که نامبرده خود را به قصد خودکشی روی ریل های قطار انداخته یا اثر تصادف فوت شده از کسانیکه از هویت وی اطلاع دارند، خواسته می شود با دفتر باز پرس تماس بگیرند. این خبر مردادماه سال ۱۳۷۲ در همشهری منتشر شد.

استمداد باز پرس برای تعیین هویت یک جسد سر ویس حوادث، باز پرس دادسرای تهران برای کشف هویت مرد ۳۵ ساله ای، که جسد او در کنار ریل راه آهن تهران به دست آمدن از خانواده استمداد کرد. مشیری، باز پرس شعبه دوم ناحیه ۳ دادسرای تهران اعلام کرد که جسد مرد مجهول الهویه، که ۳۵ ساله و لاغر اندام است، چندی پیش در کنار ریل راه آهن کشف شد و بلوز طلوسی رنگ و شلوار را در آن به تن داشت و نظر داد که این مرد که زنجیری هم به دست راست



۳۰ سال قبل

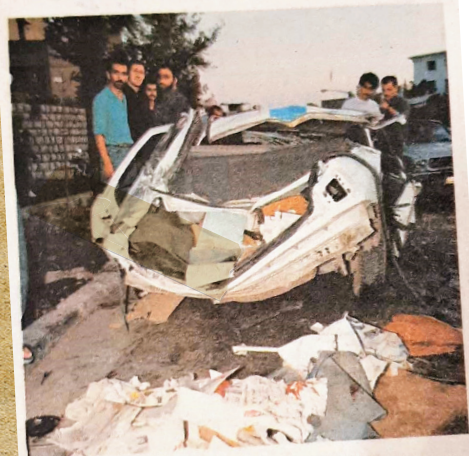
در صفحه حوادث دهه مشهری

حیرت مردم از تصادف رنو در بزرگراه مدرس

همشهری در صفحه حوادث خود با انتشار تصویری از باقیمانده یک خودروی رنو ۵ از تصادف شدید این خودرو در بزرگراه مدرس خبر داد. این حادثه مردادماه سال ۱۳۷۲ اتفاق افتاد. در گزارش همشهری آمده است:

انومبیل رنو آغازگر تصادف بود که به علت سرعت زیاد نخست باتیر برق وسط بزرگراه مدرس برخورد کرد. آنگاه به یک رنو دیگر و یک وانت برخورد کرد و متوقف شد. در عکس، انومبیل رنو و تماشاچیان که با حیرت به باقیمانده خودرو می نگردند، دیده می شوند.

باقی مانده یک خودرو!



سر ویس حوادث، این حادثه شدید را اندکی در بزرگراه مدرس اتفاق افتاد و منجر به مجروح شدن دست کم دو نفر و در هم شکستن سه خودروی عبوری شد. انومبیل رنو آغازگر تصادف بود که به علت سرعت زیاد، نخست باتیر برق شدید را اندکی در بزرگراه مدرس اتفاق افتاد و منجر به مجروح شدن دست کم دو نفر و در هم شکستن سه خودروی عبوری شد. انومبیل رنو آغازگر تصادف بود که به علت سرعت زیاد، نخست باتیر برق

غرق شدن پدر فداکار پس از نجات ۲ فرزندش

در خبری که در مردادماه ۱۳۷۲ در همشهری منتشر شده، آمده است: پدری در یکی از روستاهای کوچکفهان که برای نجات جان فرزندش خود را به رودخانه انداخته بود، پس از نجات فرزندانش غرق شد. این پدر ۳۷ ساله حسین نام داشت و ساکن روستای مزده حسن آباد بود. او ۲ فرزند خردسالش را که در رودخانه در حال غرق شدن بودند نجات داد اما خودش گرفتار امواج شد و جانش را از دست داد.

پدری پس از نجات دادن دو فرزندش غرق شد

کوچکفهان: پدری در یکی از روستاهای کوچکفهان که برای نجات جان دو فرزندش خود را به رودخانه انداخته بود، پس از نجات فرزندانش غرق شد.

در این صفحه به بازخوانی صفحات حوادث روزنامه همشهری در ۳۰ سال قبل می پردازیم

افشای راز جنایت خیابان گرگان پس از ۳۲ ماه

این روزها استفاده از تکنولوژی، کار کشف جرم را آسان تر کرده است. پیش از این کار آگاهان باید تنها از هوش خود برای شناسایی تبهکاران استفاده می کردند و ممکن بود از گشایی از یک پرونده جنایی مدت ها طول بکشد؛ در ست مثل جنایت خیابان گرگان که در سال ۱۹۶۹ اتفاق افتاد و دستگیر عامل جنایت ۲۲ ماه طول کشید. در گزارشی که روزنامه همشهری در مردادماه سال ۱۳۷۲ در این باره منتشر کرده آمده است: با مداروز پانزدهم آذرماه سال ۱۹۶۹، به ما موران انتظامی منطقه ۶ تهران اطلاع رسید که در یکی از خانه های خیابان گرگان پیروزی به قتل رسید و قاتل یا قاتلان متواری شده اند. ما موران در یکی از اتاق های خانه با جسد بانو (حرمت - الف) مواجه شدیم که با روسری خفه شده بود.

به دستور سرگرد «چاپاریان»، رئیس شعبه جنایی آگاهی پرونده جنایت به ستوان یکم حسن زاده محول شد و کار آگاه مبرور برای یافتن عامل یا عاملین دست به کار شد. کار آگاه در بررسی های اولیه دریافت که بانو حرمت تنها می زیسته و ۵ و ۴ فرزند - ۲ دختر و ۲ پسر - دارد که پسرانش برای تحصیل به آمریکا رفته اند و دختران نیز در خانه شوهران خود زندگی می کنند. در بررسی های دقیق تر روشن شد که زنی به نام «افسر الف» که زن برادر مقتوله است، اغلب به پیروز سن می زده و تقریباً تنها مر اجعه کننده به خانه مقتوله او بوده است. افسر الف، بی درنگ به آگاهی احضار شد اما از قتل پیروز خیابان

گزرگان اطلاعی کرد. در این مرحله از جست وجو برای شناسایی قاتل یا قاتلان، آشنایان و حتی همسایه ها تحت نظر قرار گرفتند اما سر نخي برای به دام نداشتن کسی به دست نیامد. ناگزیر ما مور آگاهی به سراغ بانو افسر رفت و حسین بازجویی از وی بانو افسر جستجو ریخته تا مگر ۲۷ ساله ای به نام جلیل - سن که دارای زن و فرزند است را بر زبان آورد و گفت او که از اقوام دور پیروز سن است اغلب به خانه پیروز می آمده و از او تقاضای پول و کمک می کرده است. کار آگاه حسن زاده ناچار به سراغ جلیل - سن رفت و بازجویی از وی را با سوالات انحرافی دنبال کرد. جلیل گفت من برای پیروز احترام قائل بودم و خیر قتل او را در روزنامه ها خواندم. ما مور شعبه جنایی اداره آگاهی تهران که می دانست خیر قتل پیروز در آن موقع هنوز به روزنامه ها داده نشده بود، اقرار جلیل را سر نخي برای کشف ماجرا دانست و او را رها نکرد. کار آگاه از وی پرسید: شما در کدام روزنامه خبر قتل پیروز را خواندید؟ و چون متهم نتوانست به سؤال پاسخ دهد، کار آگاه دستبند را به دست او زد و جلیل را به اتاق قتل پیروز بازداشت کرد. کار آگاه به متهم گفت: اشتباه دوم شما این بود که در خلال صحبت های خود گفتید تا سال ۶۸ به این طرف با پیروز ملاقاتی نداشتید، در حالی که اطلاعات ما حکمی است که در این مدت شما دست کم دو بار با مقتوله ملاقات داشته اید! جلیل که این چنین عرصه را بر خود تنگ دید شرح ماوقع را چنین بیان کرد: «بانو

راز جنایت خیابان گرگان فاش شد

سر ویس حوادث، با تلاش بی گستر کار آگاهان و ما موران انتظامی در راز جنایت خیابان گرگان تهران، پس از ۳۲ ماه طول کشید تا به دست آمدن از خانواده استمداد کرد. مشیری، باز پرس شعبه دوم ناحیه ۳ دادسرای تهران اعلام کرد که جسد مرد مجهول الهویه، که ۳۵ ساله و لاغر اندام است، چندی پیش در کنار ریل راه آهن کشف شد و بلوز طلوسی رنگ و شلوار را در آن به تن داشت و نظر داد که این مرد که زنجیری هم به دست راست

حرمت الف بیرونی بولداری بود روزی به سراغش رفتیم و او تقاضای پول کرد. او امتناع کرد و گفت همگرم میلیارد کم مرتباً به سراغ می آید! از این حرف و حرکت او ناراحت شدم و کمر قتل او را بستم. شب پانزدهم آذرماه ۱۹۶۹ به سراغش رفتم، جز او را کسی در خانه نبود. باز درخواست خود را مطرح کردم و او این بار برخلاف حالت گفت: همگرم من کج قارون دارم. من نیز در یک حالت غیر عادی و دیوانهوار باجور اب های نالیونی پیروز، نخست دست و پایش را بستم و روسری اش را دور گردنش پیچیدم و خانه را بر ای یافتن پول و جواهر گشتم اما چیزی گیر نیآوردم و از خانه خارج شدم. به این ترتیب راز جنایتی که بر ملا شدند ۳۲ ماه تمام طول کشید، نظیر اغلب جنایت ها، از پرده بیرون افتاد و متهم با پرونده تنظیمی در اختیار شعبه ۱۹ باز پرس گرفت و تا تاریخ محاکمه وی تعیین و اعلام شد.

خیار، سرنخ دستگیری قاتل شد

خانۀ مادرش به دام انداخت. متهم به قتل پس از ارتکاب جنایت به خانه مادرش رفته و خون سرد و آرام در رختخواب آرمیده بود! او در یک حالت روان پریشی به قتل مادر بزرگ ۷۵ ساله خود اعتراف و اقرار کرد. محمود گفت: من از پیروز دلخور بودم چون مقام مرا تحقیر و مسخره می کرد و مراد دوست نداشتم. آن روز وقتی وارد خانه شدم او از من خیار خواست من به طرف یخچال رفته خیارها را آوردم، یکی را پوست کنده به دستش دادم اما تا او مشغول خوردن خیار شد، با ضربات پی در پی انتقام تحقیرها و کوچک کردن من را از او گرفتم. در ادامه این گزارش آمده است: یکی از پزشکان قانونی در مورد این جنایت به خبرنگار حوادث «همشهری» گفت: تحقیر افراد که به منوعی از بیماری های روانی منجر می برند، به هیچ وجه جایز نیست و خانواده ها باید در این موارد نهایت دقت و مراقبت را مبذول دارند. به نظر این پزشک حتی انتقاد و عیب جویی از این قبیل افراد باید با کمال دقت و رأفت و مهربانی صورت گیرد تا به حوادثی اینچنینی نینجامد.

مسئب جنایت «مسعودی» گرفتار شد

● او در یک حالت روان پریشی، مادر بزرگ ۷۵ ساله خود را با خونبار لارد کرده بود. سر ویس حوادث، باز پرس دادسرای تهران برای کشف هویت مرد ۳۵ ساله ای، که جسد او در کنار ریل راه آهن تهران به دست آمدن از خانواده استمداد کرد. مشیری، باز پرس شعبه دوم ناحیه ۳ دادسرای تهران اعلام کرد که جسد مرد مجهول الهویه، که ۳۵ ساله و لاغر اندام است، چندی پیش در کنار ریل راه آهن کشف شد و بلوز طلوسی رنگ و شلوار را در آن به تن داشت و نظر داد که این مرد که زنجیری هم به دست راست

جس، آزادی سارق!

سر ویس حوادث یک فرد سابقه دار که ۲۴ ساعت پس از رهائی از زندان دوباره دست به سرقت زده و توبیخ آخرین مدلی را از میان ویگ تهران زدیده بود، پس از آزادی از زندان به اتهام سرقت یک تویوتای آخرین مدل دستگیر و به محاکمه و توبیخ آخرین مدلی با سرقتی ۲۴ ساعت پس از آزادی از زندان دوباره دست به سرقت زده و توبیخ آخرین مدلی را از میان ویگ تهران زدیده بود. بار دیگر زندانی شد. همشهری در خبری که ۳۰ سال قبل در چنین روزهایی منتشر کرده آورده است: یک نزد سابقه دار که ۲۴ ساعت پس از رهائی از زندان دوباره دست به سرقت زده و توبیخ آخرین مدلی را از میان ویگ تهران زدیده بود. بار دیگر دستگیر شد و پشتم میله های زندان افتاد. یک گروه کار آگاه شعبه ۱۱ آگاهی تهران بیروز ضمن گشت زنی در شرق تهران متوجه شدند سارق سابقه داری به نام «محمد الف» با یک انومبیل تویوتای آخرین مدلی با سرعتی سرسام آور در یکی از خیابان های شرق در حرکت است. ما موران که به واسطه

دستگیری سارق ۲۴ ساعت پس از آزادی از زندان

زندان سابقه دار که عاشق ماشین بود ۲۴ ساعت پس از آزادی از زندان به اتهام سرقت یک تویوتای آخرین مدل دستگیر و به محاکمه و توبیخ آخرین مدلی با سرقتی ۲۴ ساعت پس از آزادی از زندان دوباره دست به سرقت زده و توبیخ آخرین مدلی را از میان ویگ تهران زدیده بود. بار دیگر دستگیر شد و پشتم میله های زندان افتاد. یک گروه کار آگاه شعبه ۱۱ آگاهی تهران بیروز ضمن گشت زنی در شرق تهران متوجه شدند سارق سابقه داری به نام «محمد الف» با یک انومبیل تویوتای آخرین مدلی با سرعتی سرسام آور در یکی از خیابان های شرق در حرکت است. ما موران که به واسطه

ویرا های محمد به او مظنون شده بودند توسط بی سیم مشخصات انومبیل را اعلام کردند و متوجه سرقتی بودن انومبیل شدند. ما موران به محمد ایست دادند اما او که متوجه تعقیب ما موران شده بود بر سرعت خود افزود و همچنان به راه خود ادامه داد تا اینکه پشت چراغ قرمز ویگ ناگزیر به توقف شد. کار آگاهان نیز با تهدید اسلحه او را مجاب کردند. سرگرد در میان در اندام آگاهی از سارق بازجویی کرد و انومبیل تویوتای شماره ۹۱۱۴۵ به صاحبش تحویل شد.

سر ویس حوادث، باز پرس دادسرای تهران برای کشف هویت مرد ۳۵ ساله ای، که جسد او در کنار ریل راه آهن تهران به دست آمدن از خانواده استمداد کرد. مشیری، باز پرس شعبه دوم ناحیه ۳ دادسرای تهران اعلام کرد که جسد مرد مجهول الهویه، که ۳۵ ساله و لاغر اندام است، چندی پیش در کنار ریل راه آهن کشف شد و بلوز طلوسی رنگ و شلوار را در آن به تن داشت و نظر داد که این مرد که زنجیری هم به دست راست